

نارساییها ودشواریهای الفبا

۶ - تعدد نشانه ها برای یک صدا :

مشکل دیگری که خواندن و نوشتن را در زبان ما به دشواری مواجه میسازد ، کاربرد چندین نشانه برای یک صداست . ریشه ی این مشکل برمیگردد به وجود حروف ویژه ی عربی (ث - ح - ص - ض - ط - ظ - ع) در الفبای ما .

به نمونه های زیرین نگاه کنید :

۱ - دو نشانه (همزه ، ع) برای صدای (â) ، در واژه هایی ؛ مانند :
ابر **âa/b/r** و عصر **âa/s/r** .

۲ - دو نشانه (ت ، ط) برای صدای (T) ، در واژه هایی ؛ مانند :
تسکین **ta/s/ke/i/n** و طبیب **ta/be/i/b** .

۳ - سه نشانه (ث ، س ، ص) برای صدای (S) ، در واژه هایی ؛ مانند :
ثمر **sa/ma/r** ، سنگ **sa/n/g** و صخره **sa/x/ra** .

۴ - دو نشانه (ح ، ه) برای صدای (H) ، در واژه هایی ؛ مانند :
حنجره **ha/n/ja/ra** و هوا **ha/wà** .

۵ - چهار نشانه (ز ، ذ ، ض ، ظ) برای صدای (Z) ، در واژه هایی ؛ مانند :
زمین **za/me/i/n** ، ذره **za/r/ra** ، ضامن **zà/m/en** و ظاهر **zà/he/r** .

۶ - دونشانه (ق ، غ) برای صدای (Q) در لهجه ی پارسی سرزمین ایران . درواژه هایی ؛
مانند : قوی **qa/we/i** و غریبه **qa/re/i/be** .

پس ، اگر برای کسی گفته شود که مثلاً بنویس : (سزا) . او میتواند این واژه را به (۱۲) شکل مختلف بنویسد ، بدین ترتیب :

و در همه ی این موارد ، نظر به قاعده ی ((مکتوب باید نماینده ی ملفوظ باشد)) نمیتوان بر کسی که اینها را نوشته ، ایراد گرفت ؛ زیرا در همه ی موارد یادشده ، چنان که دیدیم ، صدای (س و ص = S) است و صدای (ز ، ذ ، ظ و ض = Z) . پس مشکل اشتباه نویسی ، ناشی از تعدد نشانه هاست نه چیزی دیگر .

۷ - (ه) و دشواریهای آن :

برای بیان صدای (h) در زبان دری ، سه نوع نشانه وجود دارد (ح ، هـ ، ه) . نشانه ی اولی (ح) ، که از جمله ی حروف ویژه ی عربی میباشد ، درنوشتن واژه هایی به کار میرود ، که از زبان عربی به زبان ما راه یافته است ؛ مانند : حسادت ، منحرف ، اصطلاح . مگر تلفظ این (ح) با ثقلتی که در زبان عربی تلفظ میشود ، در زبان ما تلفظ نمیگردد و صدایش دقیقاً همانند صدایی است ، که نشانه های (هـ) و (ه) نماینده ی آنست . اما از نظر چگونگی تلفظ ، در زبان ما دونوع (ه) وجود دارد :

۱ - های ملفوظ :

آنست که هم تلفظ میشود و هم نشانه ی آن بر روی صفحه نوشته میشود . در شکل نوشتاری آن از هر سه نشانه ی (ح ، هـ ، ه) استفاده میگردد ؛ مانند :

- ♦ با نشانه ی (هـ) و (ه) : هما /mà/ho ، میهن /n/ha/y/ma و پگاه /h/gà/pa .
- ♦ با نشانه ی (ح) عربی : حریق /q/i/re/ha ، محراب /b/rà/h/me و نکاح /h/kà/ne .

چنانچه مشاهده میشود ، این صدا و نشانه میتواند در آغاز ، میان و پایان واژه قرارگیرد .

۲ - های غیرملفوظ :

آنست که تلفظ نمیشود ؛ اما نشانه ی آن (ه) نوشته میشود ؛ مانند : نشانه **ne/šà/na/-** ، خانه **xà/na/-** و دسته **da/s/ta/-** .

چنانچه دیده میشود ، این (ه) صرف در پایان واژه مییاید و برای نشان دادن آن ، تنها از نشانه ی (ه) استفاده میگردد و دو نشانه ی دیگر (ح ، ه) هرگز درین مورد کاربرد ندارد .

در افغانستان و تاجکستان معمولاً حرفی را که پیش از (ه) قرار گرفته ، با فتحه یا زیر { _ } تلفظ میکنند و مثلاً میگویند : خانه **xàna** ، جامه **jàma** ، لانه **làna** و ... ؛ اما در ایران حرف ماقبل (ه) را با کسره یا زیر { _ } تلفظ میکنند و میگویند : خانه **xàne** ، جامه **jàme** ، لانه **làne**^(۱)

^(۱) درواژه های یادشده و امثال آن ، صورت اصیل تلفظ حروفی که قبل از (ه) غیرملفوظ ، قرار گرفته اند ، با نشانه ی فتحه یا زیر میباشد ، نه کسره . دلایل بسیاری هم درین مورد وجود دارد ؛ از جمله : قرنهای قبل از امروز ، هنگامی که بسیاری ازین واژه های اصیل زبان عربی به زبان عربی رفته و معرب گردیدند ، همان حرکت فتحه یا زیر را بازم تا امروز باخود نگاه داشته اند . به گونه ی نمونه : واژه های راهنما ، برنامه ، بنفشه ، بابونه و ... - که همه واژه های اصیل دری اند - پس از رفتن به زبان عربی ، (ه) غیر ملفوظ شان به (ج) تبدیل شده است ؛ اما حرکت حرف قبلی آن ، که فتحه بوده ، به همان شکل نخستین خویش باقی مانده است . البته این واژه ها پس از تعریب ، چنین شده اند :

راهنماج **ràhnàmaj** ، برنامهج **barnàmaj** ، بنفسج **benafsaj** ، بابونج **bàbunaj** و

اگر حرکت حرف ماقبل (ه) درین واژه ها ، کسره یا زیر میبود ، باید این واژه ها در زبان عربی نیز راهنماج **ràhnàmej** ، برنامهج **barnàmej** ، بنفسج **benafsaj** ، بابونج **bàbunaj** و ... میشدند .

دیده میشود که صورت اصلی تلفظ این واژه ها تا هنوز در زادگاه و پرورشگاه زبان دری حفظ شده است ؛ اما وقتی این واژه ها به سرزمین ایران رفته اند ، درانجا دچار تغییر گردیده اند . همچنان که اصالت کاربرد صیغه ی امری افعال درگفتگوهای روزانه ی مردم شهر (تاشقرغان) درشمال افغانستان . که میگویند : خور ، رو ، گیر ، زن و ... که درگذر زمانه ، یک (ب) تأکید در آغاز هریک آنها علاوه نموده و آن را بخور ، برو ، بگیر ، بز و ... خوانده اند .

درحقیقت نشانه ی تلفظ همه ی اینگونه واژه ها در هر دو نوع آن (افغانی - تاجکی و ایرانی) زبر { َ } و زیر { ِ } است ، نه (ه) ؛ اما از آنجایی که نشانه ی فتحه و کسره در نوشتن از قلم میافتد ، واژه های یادشده به شکل خان ، جام ، لان و ... ظاهر میشوند ، که در آنها التباس معنایی صورت میگیرد . پس ناچار نشانه ی (ه) را به منظور زنده نگهداشتن صدای فتحه یا کسره در پایان اینگونه واژه ها علاوه نموده اند ، که سبب پیدایش گونه های بسیاری از ناهنجاریهای املائی شده است .

حال ببینیم که این (ه) غیرملفوظ ، چه ناهنجاریهایی را در عرصه ی املائی ما به میان آورده است .

هنگامی که واژه های پایان یافته با (ه) غیرملفوظ در حالت اضافی ، نسبتی ، وصفی و ... قرار میگیرند ، دستور جامع و مانعی برای نوشتن درست آنها وجود ندارد . ازینرو هرنویسنده ، نظربه ذوق و سلیقه ی خویش ، نشانه یی به دنبال آن میافزاید یا اصلاً چیزی علاوه نمیکند و یا در جاهای مختلف هر دو شکل آن را به کار میبندد . بناءً عدم موجودیت قاعده یی مشخص درین مورد ، سبب شده است ، سه چهره ی ناهمگون در شکل نوشتاری اینگونه واژه ها پدید آید :

۱ - گروهی از مردم در همه حالات (اضافی ، وصفی و نسبتی) نشانه ی همزه (به شکل عربی آن { َ }) را ، به منظور افاده ی حرکت (ه) غیرملفوظ ، بر بالای جزء پایانی اینگونه واژه ها مینویسند ؛ همانند :

خانه + َ = خانَه + خدا = خانَه خدا

آشیانه + َ = آشیانَه + سوخته = آشیانَه سوخته

کوزه + َ = کوزه + استالفی = کوزه استالفی

۲ - گروه دیگری ، نشانه ی (ی) را ، به همان منظور قبلی ، پس از (ه) غیرملفوظ مینویسند ؛ همچون :

خانه + ی = خانه ی + خدا = خانه ی خدا

آشیانه + ی = آشیانه ی + سوخته = آشیانه ی سوخته

کوزه + ی = کوزه ی + استالفی = کوزه ی استالفی

۳ - گروه سوم ، هیچگونه نشانه یی بران نمیافزایند و یگراست مینویسند :

خانه + خدا = خانه خدا

آشیانه + سوخته = آشیانه سوخته

کوزه + استالفی = کوزه استالفی

حال اگر هریک ازین سه شکل نوشتاری را مورد غور و بررسی قراردهیم ؛ دیده میشود

که هیچیک ازانها دقیق و درست نیست :

(۱) درمورد گروه نخست :

نوشتن همزه (به شکل عربی آن { ء }) بر بالای (ه) غیرملفوظ به دو دلیل درست

نیست . نخست این که ، همزه با این شکل و چهره { ء } جزء الفبای ما نبوده و از آن ما

نیست . پس نوشتن همزه بر روی واژه های دری - به سبب نداشتن نشانه ی نوشتاری - بدان

میماند ، که مثلاً ما در زبان انگلیسی بنویسم : [AFغANISTAN](#) .

دلیل دوم این که نشانه ی همزه { ء } ، نماینده ی همان صدای مخصوص خودش

است . ثقیلتر و با فشارتر از صدایی که ما درمورد یادشده از خویش بروز میدهیم ؛ مثلاً ما

میگوییم : خانه + (صدا ی بدون نشانه) + خدا = xàna-yea-xodà (که ترکیبی است ، از

خفیفترین صورت صداهای (y + e + a) و ما نمیگوییم : xàna-âe-xodà یا xàna-âea-

.xodà

ویا ما میگوییم : حشره + (صدای بدون نشانه) + شبتاب **hašara-yea-šabtàb** و نمیگوییم :
hašara-âe-šabtàb و یا **hašara-âea-šabtàb** .

(۲) درمورد گروه دوم :

نوشتن نشانه ی (ی = y) پس از (ه) غیرملفوظ ، نیز دو ایراد دارد : نخست این که ،
برعلاوه ی زیرپا گذاشتن قاعده ی ترکیب حروف ، برزیبایی شکلی نوشتار لطمه وارد نموده و
چشم انداز نامتناسبی را عرضه میدارد (به ویژه هنگام تایپ نشانه ی (ی) با کمپیوتر ، که
فاصله ی سفید دوکنار (ی) چشم را میازارد) . و ایراد دوم ، چنانکه گفتیم : ما مثلاً
میگوییم و تلفظ میکنیم : پرنده + (صدای بدون نشانه) + آبی = **parenda-yea-àbi** و
نمیگوییم : **parenda-yei-àbi** و یا **parenda-ie-àbi** . و یا مثلاً میگوییم : ستاره + (صدای
بدون نشانه) + چوپان = **setàra-yea-čupàn** و نمیگوییم : **setàra-yei-čupàn** و یا
setàra-ie-čupàn .

نوشتن (ی) پس از (ه) غیرملفوظ در تلفظ با لهجه ی فارسی ایران ، از نظر دستوری ،
شاید ایرادی نداشته باشد ؛ چون درانجا حرف ماقبل (ه) غیرملفوظ را همیشه مکسور تلفظ
میکنند و مثلاً میگویند : **parande-yea-àbi** و یا **setàre-yea-čupàn** ، وصل نمودن صدای
(ی = y) پس از کسره ({ _ } = e) ایرادی ندارد ؛ زیرا هردو از یک خانواده اند و کسره
خود نیز نماینده ی حرف (ی) به شمار میآید . اما علاوه نمودن نشانه ی (ی = y) پس از
(ه) غیرملفوظ (در تلفظ بالهجه ی دری افغانستان و تاجکستان) از نظر دستوری درست
نیست ؛ زیرا حرکت ماقبل (ه) غیرملفوظ درینگونه واژه ها فتحه ({ _ } = a) است ، که
خود نمایندگی از (الف) دارد . پس یکجا کردن دونوع صدای ناهمگون (ی = y + فتحه =
a) نوعی از تصادم را به وجود میآورد ، که باعث ترکیب نامتجانس صداهای هردو میشود .
(۳) درمورد گروه سوم :

نوع سوم آن ، که نوشتن واژه های یادشده به شکل : خانه خدا ، آشیانه سوخته و کوزه
استالفی (بدون هیچگونه نشانه) ، اصلاً درست نیست و نباید این شیوه را به کار بست .
بنابراین از خیر ذکر مجدد آن درینجا صرف نظر میکنیم .

ناگفته نباید گذاشت ، که مشکل نوشتن واژه های پایان یافته با (ه) غیرملفوظ ، صرف درحالات یادشده خلاصه نمیشود ؛ بلکه موارد دیگری را نیز شامل میشود . ازجمله : هنگام پیوند با پسوندها ، بازهم عدم موجودیت نشانه و قاعده یی مشخص درینگونه موارد ، تنوع چهره های نوشتاری به میان میآورد . به گونه ی مثال ، درنمونه های :

خورده ای	خورده ئی	خورده یی
شهزاده ای	شهزاده ئی	شهزاده یی

کدام یک شان را میتوان درست گفت ؟ هیچکدام ! پس درصورتی که نشانه ی مشخصی درمیان نباشد ، چه میتوان کرد .

تذکر :

درچاپ اول کتاب **دستورسخن** (اثرهمین قلم) آمده است ، که برای بیان حرکت (ه) غیرملفوظ درحالات اضافی ، وصفی و نسبتی به جای نشانه ی همزه ی عربی { ء } ازنشانه ی کسره ی اضافه باید استفاده نمود . درانجا نشانه یی هم به همین منظور ارائه شده بود ، با دو انحنای دردو جهت مخالف و به کوچکی همزه ی عربی ، که چنین شکلی داشت : (ء̣) . همچنان درکتاب یادشده ، صورتهای درست و نادرست نوشتاری برخی از واژه هارا چنین نگاشته شده است :

دراست	نادراست
شراره آتش	شرارهٔ آتش
افسانهٔ عشق	افسانهٔ عشق
بوسهٔ آبدار	بوسهٔ آبدار

و نیزهمانجا آمده بود : ((هرچند این نشانه درمطابع کشورما وجود ندارد ، تا ازان درمقاصد طباعتی کارگرفته شود ؛ ولی امیدواریم درآینده این نشانه پدید آمده و جای همزه ی عربی را اشغال نماید ؛ اما این نشانه را درنوشته های قلمی باید جداً مدنظرداشت))

با آنکه این شیوه و این نشانه مورد قبول قرار گرفت و تعداد زیادی از مردم با آن کنار آمده ، سالهای سال درنوشتار قلمی خود آن را به کار برده اند و میبرند ؛ اما امروز که سالیان درازی از چاپ نخستین (دستور سخن) میگذرد ، هنوز دو مشکل عمده فرا راه رد یا قبول این نشانه قرار دارد :

♦ مشکل نخست آن که : نشانه ی کسره ی اضافه (ؤ) جزء فهرست حروف الفبا نیست و کاربرد آن درنوشتار ، مانند نشانه ی همزه { ء } مشکل قانونی دارد . فرض کنیم این نشانه مقبول دانشمندان افتاد و درفهرست الفبا جا گرفت ، باز دیده شود که آیا این نشانه ، موارد کاربرد دیگری غیر ازین نیز خواهد داشت ؟

♦ مشکل دوم کسره ی اضافه (ؤ) آنست که ، میتوان آن را صرف درنوشته های قلمی به کار گرفت . حال اگر کسی بخواهد باماشین تحریر بنویسد و یا نوشته یی را با برنامه های کمپیوتری تایپ کند ، ممکن نخواهد بود آن را به روی صفحه بیاورد ؛ زیرا چنین نشانه یی جزء انواع برنامه های نوشتاری کمپیوتر نیست . اینجاست که باز برمیگردیم به همان جایگاه آغازین و همان مشکل قبلی ، یعنی : ((نارساییها و دشواریهای الفبا)) .

بناءً به کارگرفتن نشانه ی { ی } - درحالات وصفی ، اضافی ، نسبتی و ... واژه های پایان یافته با { ه } غیر مملووظ و یا پیوند آنها با برخی از پسوندها - عجالتاً بهتر خواهد بود ، چون جز این چاره یی نیست . هرچند میدانم که این شیوه نیز - نظربه دلایلی که قبلاً درمورد آن صحبت کردیم - درست نیست ؛ اما برای به کارگیری آن دو دلیل عمده وجود دارد : نخست آن که نشانه ی { ی } جزء حروف پذیرفته شده در فهرست الفباست . و دلیل دوم : سهولت به کارگیری آن در همه شیوه های نوشتاریست . بدین معنی که ، میشود آن را هم در دستنویسی به کار گرفت و هم درنوشتن با ماشین تحریر و کمپیوتر . با یاد دوباره ی نادرست بودن موقعیت به کارگیری آن ، من خود نیز ناچار به پیروی از همین شیوه شده ام .

۸ - دشواریهای نوشتاری حروف :

برعلاوه ی آنهایی که به شمارش گرفتیم ، دشواریهای شکلی و ترکیبی بعضی از حروف به نارساییهای قبلی افزوده ، به ویژه امر آموزش را با مشکلاتی مواجه ساخته است ، که نمونه هایی از آن را چنین برمی شماریم :

۱ - درنوشتن برخی از واژه ها ، ناچاریم ترکیب حروفی را به کارگیریم که هر یک شان دارای چندین دندانه و چندین نقطه اند . پس از نوشتن واژه با حروفی ازین گونه ، متوجه میشویم که توالی دندانه های متعدد و قرارگرفتن چندین نقطه در زیروبالای آن ، نیروی دید را وادار میکند که لحظاتی را صرف شمارش دندانه ها و نقطه ها کند . البته این مشکل درجریان آموزش نوآغازان بیشتربه وقوع می پیوندد و کارآزمودگان نیزگاهی از آن مصؤون نتوانند بود ، که برای رفع آن ، سالها تجربه و تمرین لازم است . به گونه ی نمونه واژه های « شیشه » با هفت دندانه و هشت نقطه ، « شپش » با هفت دندانه و نه نقطه و « نشستن » با هشت دندانه و هفت نقطه ، سهولت خواندن و نوشتن را از میان برمی دارد .

۲ - حروف از سمت راست به چپ نوشته میشود ؛ اما ارقام از سمت چپ به راست ، که این خود ازیکسو سبب میشود هنگام تایپ با ماشین تحریر ، ایجادمشکل کند و ازسوی دیگر برخی از نوآغازان مثلاً : (۵۷۳۲) را از راست به چپ خوانده و بگویند : دوهزاروسه صد و هفتاد و پنج .

۳ - همه میدانیم که در زبان ما واژه ها از ترکیب و به هم پیوستن حروف باید به میان آیند ؛ زیرا مبنای نوشتاری این زبان براساس همان ترکیبی بودن بنا نهاده شده است و ازسوی دیگر بیشترین حروف آمده در فهرست الفبا ترکیب پذیرند . پس اگر بخواهیم مثلاً بنویسیم : « افغانستان » ، باید همه حروف ترکیب پذیر را به صورت پیوسته بنویسیم ، نه به صورت : « ا ف غ ا ن س ت ا ن » . اما در فهرست الفبا ، حروف دیگری نیز داریم که ترکیب ناپذیرند ؛ مانند : (ا ، د ، ذ ، ر ، ز ، ژ ، و) . بناءً درست نویسی با الفبایی که برخی از حروف آن ترکیب پذیرند و بعضی ترکیب ناپذیر ، مستلزم مدتها تجربه و تکرار و تمرین خواهد بود . به ویژه که

هریک از حروف این الفبا، نظریه جایگاه خویش در یک واژه، شکل‌های گوناگونی را به خویش میگیرد.

۴ - تنوین نیز مشکل دیگریست که همسویی گفتار و نوشتار را در زبان ما، برهم زده است؛ زیرا کاربرد دونوع نشانه‌ی نوشتاری برای یک نوع صدا، نه تنها نویسنده و خواننده‌ی تازه کار را به تردد و امیدارد، که امرآموزش را نیز دچار هرج و مرج میسازد.

اصولاً باید واژه‌هایی؛ همچون: اصطلاحاً، عجالاً، ضرورتاً و... را که (اصطلاحن)، (عجالتن)، (ضرورتن) و... تلفظ میکنیم، باید پایان آنها را با (ن) بنویسیم، تا مطابقت گفتار و نوشتار در زبان حفظ شود؛ اما چه توان کرد، که این مشکل قرن‌هاست گریبان زبان نوشتاری را در کف دارد.

۹ - دشواریهای ساختاری واژه‌ها :

در زبان‌هایی که از حروف لاتین به منظور نوشتن استفاده میشود، کفایت که چند حرف را پهلوئی همدیگر قرار دهند، تا یک واژه تشکیل شود. ترکیب حروف کوچک و بزرگ نیز دران زبانها ایرادی ندارد؛ مثلاً: میشود واژه‌ی (mountain) را با سه شکل زیرین نوشت:

◆ MOUNTAIN (با حروف بزرگ).

◆ mountain (با حروف کوچک).

◆ Mountain (با ترکیب حروف کوچک و بزرگ).

اما در دستور نوشتاری ما، پیوند دادن حروف به یکدیگر امریست الزامی، و چیدن حروف در کنار هم - به منظور تشکیل یک واژه - گناهیست نابخشودنی. پس اگر بخواهیم واژه‌های (عشق) و (نفرت) را با قراردادن حروف دکنار هم و به شکل (عشق) و (نفرت) بنویسیم، غلط محض خواهد بود و هیچ آدم عاقلی پیدا نخواهد شد که آن را به حیث یک واژه بپذیرد.

باتوجه به گفته های بالا ، بازمیبینیم که الفبای ما برای ترکیب حروف قواعد خاص خود را دارد ، که خالی ازدشواری نیست ؛ به شرح زیر :

۱ - بسیاری ازحروف آمده درفهرست الفبا ، دارای دوشکل کوچک و بزرگ هستند ؛ مانند : « **ق** » و « **ق** » ، که هنگام ترکیب ، هریک ازانها باید به جایگاه ازقبل تعیین شده ی خویش قرارگیرد .

۲ - تعدادی ازین حروف ، نظربه موقعیت شان درآغاز ، میان ، پایان و به شکل مستقل دریک واژه ، چهارشکل مختلف را خود میگیرند ؛ مانند : « **ع** » ، « **ع** » ، « **ع** » و « **ع** » . که نمیشود هیچ یک ازین چهره های چهارگانه را یکی به جای دیگری استفاده نمود .

۳ - الف با دوشکل نوشته میشود : « **ا** » و « **ا** » .

۴ - همزه ، سه شکل نوشتاری دارد : « **ئ** » ، « **ا** » و « **ء** » .

۵ - حروف (**ا** ، **آ** ، **ا** ، **ر** ، **ز** ، **ژ** ، **د** ، **ذ** ، **و**) یک شکل دارند و با حرف بعدی پیوند ناپذیرند .

۶ - حروف پایانی بسیاری از واژه ها باید با شکل بزرگ آن نوشته شود ؛ مانند : **بلبل** ، **گلشن** ، **درخت** و **جنگل** .

۷ - حروف پایانی بسیاری از واژه ها ، با توجه به ترکیب ناپذیری حروف قبلی شان ، باید به شکل مستقل نوشته شوند ؛ مانند : **مقبول** ، **سختکوش** ، **منجلاب** و **نگهبان** .

۸ - حروف ویژه ی عربی را نمیتوان به جای حروف پارسی ویا برعکس کارگرفت ، هرچند که صدا در تلفظ یکسان باشد ؛ مثلاً : نمیتوان « اصطلاح » را « استلاه » و « بهار » را « بحار » نوشت .

اینجاست که نتیجه میگیریم ، نارساییهای الفبای ما ازیکسو قاعده ی کلی ترکیب را برهم زده و سهولت درامر آموزش را از میان برمیدارد ، و ازسوی دیگر امکان کوتاهنویسی های علمی را - که در امرآموزش سریع بسی مؤثر است و امروز درغرب به گونه ی وسیع ازان استفاده میشود - ازما میگیرد .

۱۰ - دشواریهای کاربرد الفبا در کمپیوترانترنت :

همه میدانیم که نخستین گام برای ایجاد (داده های نوشتاری در کمپیوتر) ، استفاده از صفحه کلید است و سپس ذخیره یا انتقال آنها بنا بر ضرورت . در زبانهایی که از حروف لاتین استفاده میکنند ، این روند به سادگی انجام میپذیرد ؛ اما استفاده از الفبای ما بدین منظور ، مشکلاتی را فراراه آن ایجاد میکند که سهولت آموزش ، خواندن و نوشتن را به نابدی میکشاند.

هرچند این بحثی است جداگانه و دنباله دار ، که نمیشود همه ی موضوعات آن را درین مقال به بحث گرفت ؛ اما وقتی از دشواریهای الفبا سخن میگوییم ، ناگزیریم گوشه هایی از دشواریها و محدودیتهای کاربرد الفبا در کمپیوتر و انترنت را (که بیشتر بخش تخنیکی آن را دربرمیگیرد) نیز به بحث گیریم . پس به منظور کوتاهی سخن ، نمونه های مختصری از آن را چنین ذکر میکنیم :

۱ - عدم موجودیت نشانه های حروف الفبای پارسی دری بر روی اکثریت صفحه کلیدها و دشواری دسترسی به صفحه کلیدهایی با نشانه های حروف دری و یا دوزبانه در بیشتر نقاط جهان ، که این خود سبب ایجاد دشواری در مسیر آموزش تایپ با حروف الفبای ما میشود .

۲ - تغییر موقعیت برخی از حروف بر روی صفحه کلید در کاربرد سیستمهای عامل مختلف (WINDOWS) ؛ مثلاً هنگام کار با سیستم عامل (WINDOWS - 98 « فارسی شده ») ، جایگاه حرف « پ » در نخستین دکمه ی سمت چپ ردیف اول صفحه کلید قرار دارد ؛ اما در (WINDOWS - XP) در نخستین دکمه ی سمت راست ردیف دوم .

۳ - عدم موجودیت امکانات تایپ مستقیم الفبای ما با برخی از سیستمهای عامل (WINDOWS) ؛ همچون : (WINDOWS - 3.1) ، (WINDOWS - 95) ، (WINDOWS - 98) و (WINDOWS - 2000) .

۴ - وقتی یک سند (File) با حروف دری در کمپیوتر ذخیره شود ، در صورت تغییر سیستم ، با کمپیوتری دیگر نمیشود آن را به سهولت باز کرد .

۵ - در بسیاری از برنامه های کمپیوتری ، نمیشود حروف پارسی دری را مستقیماً به کارگرفت ، که برای برآورده شدن این هدف ، به نرم افزارهای جانبی نیازمیافتد .

۶ - درتبدله ی نامه های الکترونیکی ، اگرسیستمهای کمپیوتری فرستنده وگیرنده یکسان نباشد ، همه ی حروف تغییرشکل مییابد و اشکال و حروف درهم وبرهمی برروی صفحه ظاهر میشوند ، که درنتیجه خوانش نامه را ناممکن میسازد .

و و و

این بود نمونه هایی بسیارمختصر ازدشواریهایی که دراثر ناسازگاری کمپیوترعصرجدید با الفبای باستانی ما به میان آمده ومارا به دردسر انداخته اند .

درپایان باید گفت ، که برعلاوه ی موارد یادشده ی « نارساییها و دشواریهای الفبا » ، موارد کوچک و بزرگ دیگری نیز وجود دارند ، که کوچک ها را نادیده انگاشته ، به امید دنبال نمودن بزرگان شان دربحثهای بعدی ، سخن خویش را درهمینجا به انجام میبریم .

- پایان -